

اثر تلقين

بیماری جسمی بدون ضایعه تشوی

روح و بدن از یکدیگر جدا نوده در یکدیگر موند
هستند، برخی از بیماری های روانی، بر اثر ضایعات
جسمانی بوجود می آید، روانشناسان این گونه
بیماری ها را بیماری «ارگانیک» می نامند. بعنوان
مثال برخی از بیماری های روانی، بر اثر تحراب شدن
اعصاب و مغز و طولت ها و منور میت ها بوجود می-
آید در برابر این بیماری، نوع دیگری از بیماری
وجود دارد که آن عبارت از بیماری جسمی است که
مطلوب نگرانی ها و اضطراب ها بوده، تن بر اثر آنها
متأثر شده از کار می مانند بدون این که عضو دچار
ضایعه ای شده باشد.

بعضی از اشخاصی که دچار نگرانی های شدید
بوده اند به کوری و قلع گرفتار شده اند در حالی که
اعصاب بیانی و پایشان کاملاً سالم بوده است .
ما بر این قاعده ای های روحی آنچنان قدرت دارند
که می توانند تعالیت جسم را متوقف سازند، روی این

اصل بر اساس خودسازی باید آنها را ریشه کن ساخت
تا به سعادت و خوشبختی انسان ها اطمینان وارد دنیا بد.

گاه افرادی را می بینیم که اصولاً حاضر نیستند
که کوچکترین عیب و نقصی را در خود بپذیرند.
در برابر این عده، اشخاص دیگری هم هستند که
همیشه دچار افسردگی بوده، خویشان را واجد تواقص
و عیوب فراوانی می نمانند همس نظرند که دسته اول
گرفتار خون بینی هستند دسته دوم هم به خود
باختگی منلی می باشند و از زبانی هر دو دسته، نارضا
است .

عقل و منطق ایجاب میکند که هیچکس خود را
کامل ندانسته خویش را از هر گونه عیوب میری نداند
و از طرف دیگر مانند افراد خود خویر هم خویش
را سر تا پا معیوب و ناقص ندانسته کمالات خود را
نادیده نگذرد.

از زبانی واقعی آن است که آدمی جنبه های مثبت

و منفی خود را بدون اطراف و تفریط در نظر گرفته در رفع نقائص خود کوشش و تلاش نماید.

داشتن نفس و عیب هرگز نمیتواند عامل بگرانی و تشویش باشد بلکه نقص واقعی در خود را باحتیاجی است چه بسیارند افرادی که گرفتار نواقص فراوان بوده اند، ولی از روحیه فوری، خویشتر را به سعادت و موفقیت رسانیده اند.

عده ای با این توهم و گمان همیشه خود را گرفتار نواقص و عیوب دانسته از این رهگذر محدود خوری برداخته شربت زندگی در کامشان تلخ می نماید.

یکی از روش های مفیدی که در کم کردن این نوع تشویش ها تا حدود زیادی موثر و مفید است تلقین است

تلقین چیست ؟

تلقین عبارت است از عهده ای که در خود یا دیگری وارد نمائیم، والدین اغلب در فرزندان خویش نظریات خود را تلقین میکنند، و این عمل گاهی بطور مستقیم زمانی غیر مستقیم صورت می گیرد. (۱)

بوسیله این روش همه می توانند مقدار زیادی از صعبت ها، نرسها، و بطور کلی احساسات و حالت های ضرورنا سالم خود را به سبب اذین ببرند، و بجای آن احساسات و نساپلات مفید و سازنده در خود ایجاد نمایند.

حالات تلقین پذیری، در افراد قبل از خواب زیاد است، شخص باید نساپلات و حالت های مضری را که در خود سراغ داده می خواهد از اذین ببرد، همچنین صفات و روحیاتی را که می خواهد جانشین آنها سازد

۱- روانشناسی برای پیش دکتر جلالی ص ۱۰۸

۲- تصادف های درونی ما تألیف کارون هورنمای ص ۱۸۴

تلقین بخود همواره در ما اثر خارق العاده ای دارد، سوپرات کامل، تحت تلقین خودمان با دیگران قرار می گیریم بارها دیده شده که به محض گریستن، و یا حمیازه کشیدن دیگران بر روی اختیار گریسته و یا خمیازه کشیده اند.

به وسیله تلقین در شخص اطمینان حاصل می شود که با آن ایمان، بسیاری از کارها را می توان انجام داد.

طابق سردار معروف اسلامی در آن هنگام که به فتح اسپانیا اقدام کرد در آغاز حمله متوجه شد که اگر عقب نشینی کند هیچ راه فراری جز دریا ندارد او بر این که سر باز نشد فکر شکست و عقب نشینی را به مخیله خود راه نهد، فرمان داد که کلیه کشتی ها را بسوزانند و چون چنین شد، سر باز نشد که امیدی نماند ماندن نداشتند، ناگزیر چاره ای جز بیروزی و پیشروی در فکرشان راهی نماند.

در داستان های ملایم و می چنین آمده که روزی شاگردان مکتب خواستند از درس و مکتب خانه فرار کنند همین که معلم آمد و بجای خود نشست و تر که را بدست گرفت، یکی از شاگردان پیش رفت و با صدای فریاد و محزون و قیام های متاثر و وحشت زده گفت : آقا معلم خدا بفرستد... معلم سینه اش گرفت و تر که را در زمین زده و بدست آن شاگرد برداخت لکن

مثلا این که برق عظیمی در بدنش راه افتاده باشد دیگرش اندکی پریشان شد شاگرد دومی آمد و بجای اولی نشست و گفت: و آقا معلم خدا بفرستد... خلاصه بچه ها با همین تلقینها معلم سالم را بیمار نموده روانه منزلش ساختند و مکتب خانه را تعطیل کردند.

گفتار و تلقین هیچکس با اندازه ایمن و اراده خود فرد اثر ندارد، بیماری که چهار بیماری های مهلك بوده اند و قرار بوده تحت عمل جراحی قرار گیرند آن عده که دارای قوت قلب و ایمان بوده اند بهتر شفا و درمان می یافته اند تا آنان که خود را باخته و زدنگی خود را پایان یافته میدانسته اند.

شکست و موفقیت و خوشبختی و بدبختی هر کس تا حدود زیادی وابسته به فرمان و امری است که به قوای درونی خود میدهند زیرا در وجود انسان سپاهی مغلوب نشدنی است که انتظار فرمان را دارد اگر نا امید و بی همت شده گمان کند که نمی تواند، سپاه نیرومند روحی اسلحه را فرو می دزد و به ناموشی می گزاید و اگر فرمان آماده باش داده شود پیدرتنگ پامی ایستد و با پشتکار و جان بازی مقصود را نصیب انسان ها خواهد ساخت.

خوشی و ناخوشی هر کس در طرز فکر اوست، می توان با فکر درست، سالم و نیکبخت بود و با با فکر علیل خود را بچنگال بیماری و سیه روزی سپرد.

